

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

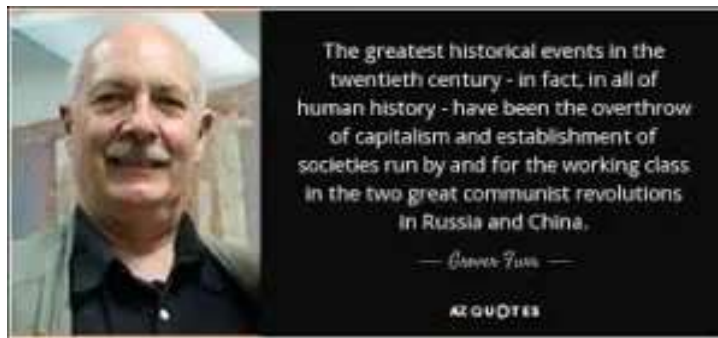
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

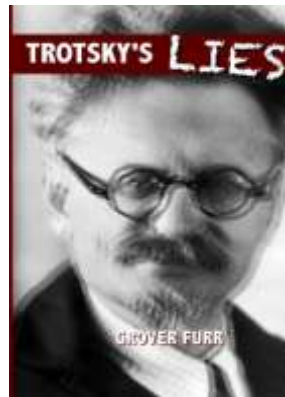
سیاسی

نوشته: گرویر فور
برگردان: آمادور نویدی
22 نومبر 2024



تروتسکی و روزهای ماه مه ۱۹۳۷ بارسلون

(3)



(۱۱) اروین وُلف (WOLF ERWIN)

اروین وُلف، که یکی از نزدیک ترین و مورد اعتمادترین پادوهای لئون تروتسکی بود، و مستقیماً از طرف وی به اسپانیا رفته بود، به نروژه نقل مکان کرد. جورج وریکین (Georges Vereeken) می‌گوید که وُلف نه جهت جنگ، بلکه به‌عنوان نماینده «دبیرخانه بین المللی»، جنبش سیاسی تروتسکی به اسپانیا رفت. (وریکین، ۱۹۷۶، صفحه ۱۷۱) وُلف رابط تروتسکی با تروتسکیست‌ها در اسپانیا، از جمله آندرس نین بود، که از نزدیک با وی هم کاری می‌کرد.

بوریس ولودارسکی (Boris Volodarsky) می‌نویسد:

در نیمه دوم ماه جولای [۱۹۳۷]، کمی بعد از دستگیری رهبری پوم، مولین (Moulin)، هانس فروند- Hans Freund) جلسه ای ترتیب داد که در آن چندین تروتسکیست برجسته را دعوت نمود که هنوز دستگیر نشده بودند... آن‌هایی که در این جلسه شرکت داشتند، شامل **اروین وُلف** که با نام خودش به عنوان خبرنگار خارجی برای چندین روزنامه انگلیسی در اسپانیا کار می‌کرد، همسر وُلف، و یک اسپانیایی، کسی که تالمن [PaulThalman]، یک تروتسکیست سوئیس]، در خاطراتش، وی را مونیز «Munez»، «رهبر واقعی تروتسکیست‌های اسپانیایی» می‌داند. (۲۷) مطمئناً این فرد گراندیسو مونیز (Grandiso Munis) بود. دستور کار جلسه اضطراری بررسی موقعیت سیاسی و فرصت‌هایی جهت یک قیام انقلابی متعاقب روزهای ماه مه و دستگیری‌ها بود. (ولودارسکی، ۲۰۱۵، صفحات ۲۶۴-۲۶۳)

وُلف و همسرش هنگام تلاش جهت ترک اسپانیا، در دو مکان مختلف بازداشت شدند. طبق گفته ولودارسکی (Volodarsky)، تالمن اشاره نمود موقعی که خود وی دستگیر شد، «بازپرس وی همیشه سؤالات یکسانی از وی می‌پرسیدند: «چه موقع آخرین بار در المان بوده‌ای؟ چه موقع با تروتسکی در ناروی ملاقات داشته‌ای؟ مولین تروتسکیست کجاست؟» (ولودارسکی، ۲۰۱۵، صفحه ۲۶۵). وُلف سه بار دستگیر و آزاد شد، اما در نهایت در ۱۳ سپتامبر ۱۹۳۷ که توسط پولیس اسپانیا آزاد گردید، بلافاصله رها شده شد. بوریس ولودارسکی تصور می‌کند که وی توسط افرادی که برای مسکو، یعنی، پولیس امنیتی (NKVD) تحت فرمان الکساندر اُرف (Alexander Orlov) کار می‌کردند، رها شده شد. (۲۶۶)

۱۲) کورت لاندو (KURT LANDAU)

لاندو در اپریل ۱۹۳۰، یکی از اعضای بنیان‌گذاران «دفترخانه بین‌المللی» تروتسکی بود. طبق گفته همسرش کاتیا (Katia)، لاندو به ادعای سال ۱۹۳۶ تروتسکی از دادگاه‌های مسکو باور داشت، همان‌گونه که کاتیا هم براین باور بود.

به لطف کشف پیئر برو (Pierre Broué) از آرشیو تروتسکی در هاروارد، ما می‌دانیم که تروتسکی دروغ می‌گفت. تروتسکی و پیروانش در شوروی، در واقع در یک «بلوک» سیاسی مخفی با زینویست‌ها، راست‌گراها و سایر مخالفان بودند. (برو، ۱۹۸۰)

به اصطلاح، ظاهراً لاندو در سال ۱۹۳۱ با تروتسکی قطع رابطه کرده بود. اما، تصمیم وی در دفاع از متهمان دادگاه‌های سال ۱۹۳۶ مسکو، همانی است که می‌توان از یک تروتسکیست توقع داشت. شوروی‌ها مظنون بودند که لاندو و تروتسکی همچون کارل رادیک (Karl Radek) و یوری پیاتاکف (Yuri Piatakov)، جهت مخفی ساختن حقایق با رد و بدل کردن توهین‌هایشان، یک جنگ زرگری جعلی به راه انداخته اند. لاندو با کاتیا در نومبر ۱۹۳۶ به کاتالونیا نقل مکان کرد. لاندو بلافاصله در آنجا نفوذ قابل توجهی با رهبران پوم به دست آورد که به آن ملحق شده بود. (ولودارسکی، ۲۰۱۵، صفحه ۲۷۳)

طبق گفته هانس شافرانک (Hans Schafranek) و پیئر برو (Pierre Broué)، لاندو بروشنی از نزدیک با نین هم کاری می‌کرد. [لاندو] به لا بتلا (La Batalla) [نشریه پوم] کمک کرد و روابط بین المللی پوم را به‌ویژه در ارتباط جهت تدارک کنفرانس بین المللی در بارسلون که با رهبری پوم برنامه‌ریزی شده بود، هم‌آهنگ نمود. وی هنوز «زیمروالد جدیدی» (a new Zimmerwald) را تصور می‌کرد که پوم محور آن باشد. (برو، ۲۰۰۸؛ شافرانک، ۱۹۸۰، صفحه ۸۰، ۸۵، ۸۶. ن. ۱۱۲)

۱۳) یک انقلاب بلشویکی جدید؟

هردو، وُلَف و لاندو شورش روزهای ماه مه را مقدمه ای جهت نوعی از انقلاب بلشویکی در نظر می‌گرفتند. لاندو نوشت که هدف سرنگونی جمهوری بورژوائی اسپانیا بود، که وی آن را «ضدانقلاب دمکراتیک» می‌دانست. (شافرانک، ۱۹۸۸، صفحه ۴۷۵)

تروتسکیست‌ها، جمهوری اسپانیا را از طریق عینک انقلاب ۱۹۱۷، با کرنسکی سوسیالیست در دولت جمهوری خواه سوسیالیستی می‌دیدند، و کمونیست‌های اسپانیائی و شوروی را به‌عنوان منشویک‌ها، و خودشان را لنینیست یا بلشویک واقعی می‌دانستند. آن‌ها حتی یک «دولت موقت» هم در ۵ ماه مه تشکیل داده بودند (۴۷۱).

در دادگاه پوم در اکتوبر ۱۹۳۸، نین و لاندو به‌عنوان مأموران گشتاپو متهم شده بودند (ولودارسکی، ۲۰۱۵، صفحه ۲۷۸). تروتسکیست‌ها در دادگاه‌های دوم (جنوری ۱۹۳۷) و سوم (مارچ ۱۹۳۸) مسکو، اعتراف نمودند که تروتسکی با المانی‌ها تباری کرده است. متهمان پرونده توحاچفسکی در ماه‌های مه و جون ۱۹۳۷ نیز همین‌گونه بودند. به طور کلی، این امر برای شوروی‌ها و کمونیست‌ها منطقی بود که مظنون باشند که نین و لاندو، که برای تروتسکی کار می‌کردند، نیز مأموران المان بوده باشند.

۱۴) تروتسکی و ترورهای نین، وُلَف و لاندو

شوروی‌ها می‌دانستند که تروتسکی چه‌کار می‌کند. آن‌ها نیز می‌دانستند که متهمان دادگاه‌های مسکو حداقل جهت چیزهایی که اعتراف کرده بودند، گناهکار بودند. اما، تروتسکی آشکارا این امر را تکذیب می‌کرد، و تروتسکیست‌ها به وی باور داشتند. تروتسکیست‌ها نمی‌دانستند که این نه ستالین، بلکه تروتسکی است که در دفاع از دسیسه‌های خود دروغ می‌گوید.

شواهد دروغ‌گوئی تروتسکی، ما را ملزم می‌سازد که درک مرسوم از سرکوب تروتسکیست‌ها در اسپانیا را تکذیب کنیم. حمله شوروی به تروتسکیست‌ها نه روان‌پریشی بود و نه عملی جنائی. شوروی‌ها هیچ راهی جهت دانستن میزان فعالیت‌های توطئه‌آمیز تروتسکی، وُلَف، نین و سایرین نداشتند. وُلَف مستقیماً از ناروی و از طرف تروتسکی به اسپانیا رفته بود، احتمالاً با اوامر وی. صرفاً عاقلانه بود که شوروی‌ها چنین تصور کنند که نین و لاندو نیز همانند تروتسکی باشند.

ما نمی‌دانیم که آیا نین، وُلَف و لاندو از تباری تروتسکی با المانی‌ها اطلاع داشتند یا نه. تروتسکی در ملاقاتی که مخفیانه با پیتاکف در ناروی در دسمبر ۱۹۳۵ داشت، مطرح کرد به پیتاکف گفت که نقشه واقعی وی باید از حامیانش مخفی بماند. به هر حال، شوروی‌ها نتیجه گرفتند که نین، وُلَف و لاندو به‌دستور تروتسکی کار می‌کردند. از دید شوروی‌ها همین امر کافی بود تا آن‌ها را هم‌دست المانی‌ها کند.

این تروتسکی و نه ستالین بود که سرنوشت این مردها را رقم زد. نین، وُلَف، و لاندو یا به‌عنوان نمایندگان مستقیم تروتسکی به اسپانیا رفتند. قطعاً وُلَف، نین شاید، و لاندو به طور بالقوه نیز. یا جهت کمک به دستورکار تروتسکیستی جهت تضعیف سیاست جمهوری‌خواهان و به امید رهبری انقلاب علیه دولت جمهوری‌خواه اسپانیا.

آیا نین، وُلَف و لاندو می‌دانستند که تروتسکی به جهانیان دروغ می‌گفت، درحالی‌که، جهت نمونه، رادیک و پیتاکف می‌دانستند که تروتسکی دروغ می‌گفت؟ لیلیا استرینا (Lilia Estrina)، یکی از نزدیکترین هم‌دستان ارشد سیاسی لیون سدوف (Leon Sedov)، پسر تروتسکی، به پیئر برو گفت که هیچ‌کدام از هم‌دستان سدوف درباره تماس‌های

تروتسکی در درون اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی چیزی نمی‌دانستند و فقط تروتسکی و پسرش سدوف از این جزئیات باخبر بودند. (فور، ۲۰۱۵، صفحات ۷۶-۷۵)

تاجایی که ما می‌دانیم، این فقط نزدیکترین توطئه‌کنندگان تروتسکی **درون اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی** بودند که از تبنای تروتسکی با المان و جاپان اطلاع داشتند. البته، متعاقب دادگاه‌های مسکو در جنوری ۱۹۳۷، جهانیان نیز باخبر شدند. اما با این حال، حامیان تروتسکی در خارج از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی ترجیح دادند که حاشاهای تروتسکی را باور کنند.

لاندو به ادعای تروتسکی مبنی بر دروغ بودن اتهامات متهمان دادگاه‌های مسکو در سال ۱۹۳۶، باور داشت. احتمالاً وُلف بیش‌تر می‌دانست، زیرا که مستقیماً با تروتسکی همکاری می‌کرد. به هر حال، بعید به نظر می‌رسد که نین، وُلف، یا لاندو از حقیقت تبنای تروتسکی با فاشیست‌های درون اتحاد شوروی و المان و جاپان مطلع بوده باشند. ولی رفتار آن‌ها نشان داد که آن‌ها بر این باور بودند که این اتهامی خودخواهانه و تهمت‌آمیزست. اما کمیساریای خلق در امور داخلی (NKVD) - پولیس امنیتی می‌دانست که این اتهامات واقعی بودند.

بخت سیاسی تروتسکی کاملاً متکی بر اعتبارش به‌عنوان یک لنینیست اصول‌گرا بود. حامیان سیاسی وی بر این باور بودند که تروتسکی صادق بود، و این ستالین و رژیمش بودند که متقلب بودند.

اما ما امروز می‌توانیم ثابت کنیم که خیلی از اتهاماتی که در دادگاه‌های مسکو علیه تروتسکی وارد شد، حقیقت داشت. اگر این امر به طور کلی در آن زمان مشخص شده بود، خیلی از حامیان تروتسکی از وی جدا می‌شدند، و تروتسکی نیز این را می‌دانست. یوری پیاتاکف در ۲۰-۱۹ دسامبر ۱۹۳۶، در بیانیه‌اش به نیکولای اژوف (Nikolai Ezhov)، رئیس وقت کمیساریای خلق در امور داخلی (NKVD) - پولیس امنیتی توضیح داد که تروتسکی در جلسه‌ی مخفیانه‌ی آن‌ها در ناروی، در دسامبر ۱۹۳۵ به وی گفت:

... که نباید هر چیزی که وی می‌گوید به حامیانش در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی گزارش داده شود. وی یک بار دیگر تفاوت بین تدارک یک کودتا و یک قیام توده‌ئی را ذکر نمود و در این رابطه خیلی از چیزهایی را که می‌خواست بگوید، نباید آشکار گردد (و در نتیجه تعجب نمی‌کنم که خیلی از آن‌ها با چیزهایی که در «بولتن‌هایش» می‌گفت، تناقض داشت)، اما باز هم نباید به اطلاع محافل وسیع‌تری از پیروانش در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی برسد. (۲۸) (TsA FSB 1936-1937, LD 264)

شوروی‌ها می‌دانستند که وُلف نماینده تروتسکی در اسپانیا بود. آن‌ها یا می‌دانستند یا فکر می‌کردند که نین و لاندو هم نمایندگان تروتسکی اند و منطقی هم بود که شوروی‌ها باور کنند که آن‌ها (نین و لاندو)، یا کسانی مانند آن‌هایی که در زمان شورش «روزهای ماه مه» به آن‌ها پیوسته اند، با المانی در تماس بوده باشند.

برخی اوقات کمونیست‌های شوروی و اسپانیا جهت ترور این تروتسکیست‌ها و جهت جعل اسناد و متهم ساختن پوم محکوم می‌شوند. اما متفقین جنگ جهانی دوم بر این باور بودند که در دوران جنگ، ترور جاسوس‌های المان و جعل اسناد جهت متهم ساختن آن‌ها جرم نیست.

از این اعمال و اقدامات به طور گسترده علیه المان استفاده شد. آیا اگر نین، وُلف، یا لاندو، چیزهایی را که ما امروز درباره دروغ‌ها و دسیسه‌های تروتسکی می‌دانیم واقف بودند، به اسپانیا می‌رفتند؟ احتمال دارد که به هیچ وجه به جنبش تروتسکی نمی‌پیوستند. اما آن‌ها به تروتسکی باور داشتند و هزینه‌اش را نیز با جانشان پرداختند.

یادداشت‌های پایانی:

۱) البته که تروتسکی در دفاع از توطئه هایش علیه رژیم شوروی بهره‌ری ستالین، دروغ گفت. کشف جدید دروغ‌های تروتسکی با مقاله پنیئر برو (Pierre Broué-۱۹۸۰) شروع شد. برو طی سال‌های ۱۹۸۰، و ۱۹۹۰، اکتشافات دیگری از دروغ‌های تروتسکی را منتشر نمود. در سال ۱۹۸۶، پژوهش‌گر امریکائی، آرک گتی (Arch Getty) دروغ‌های بیش‌تری از تروتسکی را افشا نمود. (گتی، ۱۹۸۶). برو و گتی تحقیقاتشان را بر مبنای کشفیات آرشیو تروتسکی در هاوارد قرار دادند که در ۲ جنوری ۱۹۸۰ به روی پژوهش‌گران باز شد. نویسنده مقاله، تحقیقات برو و گتی را در چندین کتاب با مقایسه مقاله‌های تروتسکی در بولتن اپوزیسیون وی با منابعی که وی به کار گرفت، و با استناد به مدارک آرشیوهای مخفی شوروی سابق که پس از پایان اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در دسترس بود، گسترش داده است. جهت دیدن این اکتشافات، و بررسی دقیق دروغ‌های تروتسکی، همان‌گونه که توسط پژوهش‌گران دیگر افشاء شده است، به فور (۲۰۱۵) و فصل ۱۲ تا ۱۶؛ فور (۲۰۱۷)؛ و فور (۲۰۱۹) مراجعه نمائید.

۲) «عملیات اوتکا» که به معنای «عملیات اردک»، ظاهراً مخفف چند جمله روسی است، «برداشتن تروتسکی» بود. از بهترین بحث در ویشلیوف (Vishliov-۲۰۰۱، صفحات ۱۴۰-۱۲۳) پیدا شده است. و از «اوتکا» رمزگشائی شده است.

۳) همه پُررنگ‌های این مقاله توسط نویسنده مقاله است.

۴) داستان کلاسیک ارکستر سرخ پیررولت (Perrault) است.

۵) نیکلاس فرانکو باهاموند (Nicolás Franco Bahamonde)، برادر فرانسیسکو فرانکو بود.

۶) جهت گاه‌شمار شورش، به ضمیمه مراجعه کنید.

۷) مقاله رادیک در پرآودا، ۱۴ مارچ ۱۹۲۳، با عنوان «لئون تروتسکی- سازمان‌ده پیروزی»، نشان‌دهنده کارزار تروتسکی جهت رهبری حزب بلشویک بعد از لنین، مکرراً به حاشیه رانده شد.

۸) عبارت «رژیم بوروکراتیک یک خائن زهرآلود»، و «دمکراسی بورژوائی» از توماس، ۱۹۶۱، صفحه ۳۸۲، گرفته شده است که به روزنامه پوم، انقلاب اسپانیا در ۳ فیرووری ۱۹۳۷ استناد می‌کند.

۹) «دبیر» در این‌جا به معنای «عضوی از دبیرخانه» است، یعنی، دستیار سیاسی نزدیک.

۱۰) برو در مقاله بعدی، مرجع ژورنالی را تصحیح نمود که نین این افشاگری را کرد: «شرایط طبقه کارگر روسیه»، کمونیست (آغاز نومبر) ۱۹۳۰. به برو (۱۹۹۷)، صفحه ۴۴ مراجعه نمائید.

۱۱) طبق گفته تروتسکیست فرانسوی، رنه دازی (René Dazy)، نین این پیشنهاد را به دولت کاتولونیائی (Generalitat) در ۷ دسمبر ۱۹۳۶ ارائه نمود. دازی (۱۹۸۱) صفحه ۱۷۷.

۱۲) طبق گفته هانس شافرانک (Hans Schafranek)، زندگی‌نامه نویس لاندو، رهبر پوم، جولیان گورکین (Julián Gorkin) در سال ۱۹۸۳ اعتراف نمود که وی دستور کشتن نارویچ (Narvich) را صادر نمود. به شافرانک (۱۹۸۸)، ۵۰۲ و ۵۴۷ ان ۴۰۰ مراجعه کنید.

۱۳) «راین» (Mark Rein) مارک راین، پسر یک منشیویک برجسته ضدبلشویک بود. راین «به‌عنوان یک خبرنگار چندین انتشارات ضدستالینیستی، از جمله از طرف روزنامه روزانه نیویورک یهودی فوروارد (the New York Jewish daily Forward) به اسپانیا آمده بود. در ۱۹ اپریل ۱۹۳۷، هتل کونتالینتال (Continental) بارسلون را ترک نمود و هرگز دیگر دیده نشد». (پرستون، ۲۰۱۲، ۴۰۷) راین یک ضدکمونیست ویژه بود. گرچه، قتل وی، ربطی به سرنوشت سه تروتسکیست وُلف، لاندو، و نین نداشت.

۱۴) حداقل یک مدرک از آرشیو تروتسکی در هاروارد ثابت می‌کند که لاندو تا اواخر ۱۹۳۷-۱۹۳۶ با تروتسکی در ارتباط کتبی بوده است.

۱۵) متعاقباً این پرونده ها طبقه‌بندی شدند. بنابراین، گزارش کوستیلو (Costello) و تسارف (Tsarev) تنها گزارشی است که ما از محتوای گزارشات اورلف (Orlov) داریم. ما می‌توانیم فایل‌های دیگری را بررسی کنیم که کوستیلو و تسارف ذکر کرده اند. آرشیو ولکوغونف (Volkogonov) در کتابخانه کنگره شامل فتوکپی‌های اصلی برخی از گزارشات مارک زبوروفسکی (Mark Zborowski) به نگه‌دارنده پرونده لئون سدوف (Leon Sedov) در کمیساریای خلق در امور داخلی (NKVD) - پولیس امنیتی شوروی است. مفاد آن مدارک در کتاب کاستیلو و تسارف دقیقاً با این اصل آن‌ها مطابقت دارد. منطقی است تصور نمود که آن‌ها هم دقیقاً از سایر پرونده های شوروی نسخه برداری نموده اند.

۱۶) مهم است بدانیم که که وُلف و لاندو، تا بعد از شورش‌روزهای ماه مه، نه دست‌گیر و نه «ناپدید» شدند.

۱۷) پریستون (Preston) برای باورست که نین شکنجه نشده بود.

۱۸) اعتراف‌های لاگودا (Iagoda) درباره تروتسکی در لاگودا (۱۹۹۷) موجود است. اعتراف‌های بوخارین (Bukharin) بعدها در مقاله حاضر بحث شده است.

۱۹) در اینجا از کلمه «توطئه کردن» استفاده می‌کنم، برای این‌که بوخارین ادعا نمود که وی در واقع، هرگز با تروتسکی یا المانی‌ها ملاقات نکرده است، اما اصرار نمود با افراد دیگری که ملاقات کرده اند، در تماس بوده است.

۲۰) ستالین (۱۹۹۶) [۱۹۳۷]، ۱۱۵. اصل در خاوستف (Khaustov) و شرکاء. (۲۰۰۴) صفحه ۲۰۶؛ ستالین (ان. دی) جلد ۱۴ در <http://www.hrono.ru/libris/stalin/14-5.html>

۲۱) تروتسکی و سدوف، ایوان نیکیتچ اسمیرنف (Ivan Nikitich Smirnov) را به‌عنوان رهبر مخفی تروتسکیست‌های داخل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را معرفی کرده بودند. (برو، ۱۹۸۰؛ برو، ۱۹۹۷).

۲۲) تنها اعتراف‌های توخاچفسکی (Tukhachevsky) انتشار یافته در گواردیا مولداوی (Molodaia Gvardiia) ۹ (۱۹۹۴)، ۱۳۵-۱۲۹ و ۱۰ (۱۹۹۴) ۲۶۶-۲۵۵ است. آنها به عنوان یک متن، در سایت خیلی مفید «آثار تاریخی» روسی آنلاین هستند. <http://istmat.info/node/28950>

جهت راحتی خواننده، ترجمه بخشی از انگلیسی را در مین (Main ۱۹۹۷) ذکر کرده ام. بخش اول اعتراف‌های توخاچفسکی به تاریخ ۱ جون ۱۹۳۷؛ و بخش دوم، حداقل در نسخه منتشر شده، فاقد تاریخ است، اما احتمالاً در یک یا چند بعد آمده باشد.

۲۳) بوخارین (۱۹۳۷). جهت ویرایش و بررسی علمی نخستین اعتراف بوخارین، به فور و بوبروف (Furr & Bobrov 2007) مراجعه نمایید.

۲۴) کوئن (Koen ۲۰۰۳)، ۶۱-۶۰. جهت بحث کلی، به بابروف و فور (۲۰۱۰) مراجعه نمایید.

۲۵) بحث بیشتر درباره نامه بودونی (Budyonny) در فصل ۹ فور (۲۰۱۵) یافت می‌شود.

۲۶) در فور (۲۰۱۵) و فور (۲۰۱۸)، به‌دقت آن شهادت‌ها را در دادگاه‌های مسکو تأیید کرده ام که می‌توان مستقل بررسی شوند.

۲۷) مطلب ارجاع داده شده در اینجا به تالمن (Thalman ۱۹۷۴)، صفحه ۱۹۸ است.

۲۸) جهت فراهم کردن این بخش مهم از پرونده بازجویی پیاتاکف (Piatakov)، از ولادیمیر ال. بابروف (Vladimir L. Bobrov) از مسکو تشکر می‌کنم.

پیوست:

گاه‌شمار شورش روزهای ماه مه بارسلون در سال ۱۹۳۷

۲ ماه مه ۱۹۳۷: نیروهای دولت جمهوری خواه به مرکز مخابرات و آنارشویست‌هایی که آن را در کنترل خود داشتند، حمله نمود.

۳ ماه مه ۱۹۳۷: نیروهای دولتی مرکز مخابرات را بازپس گرفتند. آنارشویست‌ها به نیروهای دولتی شلیک کردند. پوم، تروتسکیست‌ها («بلشویک-لنینیست‌ها»)، و آنارشویست‌ها، سلاح‌های مخفی را بیرون آوردند و به جای آن که به جبهه و جهت مبارزه با فاشیست‌ها بفرستند، آن‌ها را انبار کردند و جهت جنگ داخلی در بارسلون به سنگرسازی پرداختند.

۴ ماه مه ۱۹۳۷: واحدهای آنارشویست و پوم، تهدید به ترک جبهه نمودند تا در بارسلون و مادرید (Madrid)، به تظاهرات بپردازند، اما به خواست رهبران‌شان یا با تهدید به بمباران توسط نیروهای دولتی منصرف شدند.

۵ ماه مه ۱۹۳۷: جنگ با کشته دادن از هر دو طرف ادامه دارد. رهبران شورشی یک «دولت موقت» تشکیل می‌دهند.

۶ ماه مه ۱۹۳۷: پرسنل دولتی از مادرید و والینسیا (Valencia) به سوی بارسلون حرکت نمودند. کشتی‌های جنگی جمهوری خواهان در بندر ملحق می‌شوند. نیروهای دولتی گروه‌های شورشی را خلع سلاح می‌کنند.

۷ ماه مه ۱۹۳۷: شورش در بارسلون و شهرهای اطراف، جایی که اتفاق افتاد، با شکست نیروهای آنارشویست، پوم، و تروتسکیست به پایان رسید.

برگردانده شده از:

Leon Trotsky and the Barcelona «MayDays» of 1937

Grover C. Furr

chrome-

extension://efaidnbmnnnibpcajpcglclefindmkaj/https://msuweb.montclair.edu/~furg
/research/gf_trotsky_maydays_0519.pdf